



غلام نبي خان «چرخي»

نويسنده: کاوه عزم

غلام نبي خان چرخي يکي از نامدارترين مبارزان آزاديخواه و استقلال طلب کشور ما بود که در برابر ارتجاع رزميد و مرگ را بر زندگي در سايه استبداد ترجيح داد. او الگوي شد برای روشنفکران مترقي و نامش به خط زرین در تاريخ ما حک گرديد. غلام نبي در دوره خفقان نادرشاهی در برابر ظلم، خيانت و مزدوری آن شاه جنایت پيشه ايستادگی کرد و به این دليل بصورت وحشیانه به قتل رسید.

طبق فرمان شاه امان الله خان منتشره در جريده «حقيقت» (۲۸ حوت ۱۳۰۳)، در جریان اغتشاش ملای لنگ، غلام نبي خان منحيث قوماندان عسکری و حاکم اعلاي سمت جنوبي با «اختيارات کافی» مقرر گرديد.

غلام نبي خان چرخي پسر غلام حيدر خان چرخي است و به خانواده مبارز تعلق داشت که در پیکار عليه استعمار انگليس و ارتجاع داخلی نقش بسزايی ادا کردند. او فرد باهوش، روشنفکر، با مطالعه و وطن دوست بود و در کارهای مردم و مردم داری نام نیک داشت و همین امر باعث شد که در نوجوانی وظایف مختلف دولتی را بر عهده گیرد. در سال ۱۹۰۴ در اردوی افغانستان وظیفه داشت که به اساس لیاقت کاری مدارج ترفیع را پیمود. در سال ۱۹۰۶ به حیث قوماندان عسکری ننگرهار مقرر شد و به همین ترتیب در سال ۱۹۰۷ قوماندان عسکری شهر کابل تعیین گردید و سپس به حیث قوماندان جبل السراج ایفای وظیفه نمود.

امان الله خان بخاطر پیشبرد امور دولت به وجه بهتر می خواست افراد روشنفکر و پاسواد و صادق را در راس کارها بگمارد از همین رو به غلام نبي خان چرخي وظایف مهم دولتی را سپرد.

غلام نبي خان چرخي

او از ۱۹۲۱ تا ۱۹۲۴ به حیث سفیر افغانستان در مسکو ایفای وظیفه نمود. در همین وقت بود که با مسکو روابط بسیار دوستانه برقرار کرد که چندین مرتبه خود امان الله خان هم به آن کشور سفر نمود و در ۲۸ فروری ۱۹۲۱ معاهده دوستی بین دو کشور امضا شد و شخص امان الله خان نامه ای به ولادیمیر ایلیچ لنین نوشت.

دیری نگذشته بود که اصلاحات امان الله خان خار چشم انگلیسها را گردید به همین خاطر آنان به گماشتن سرسپرگان منفور خود و تبلیغات سوء علیه شاه امان الله خان توانستند مردم را فریب داده به شورش علیه دولت ترغیب کنند که در نتیجه رژیم امائی سقوط و دروه مکدر حبیب الله کلکانی رویکار آمد.

غلام نبي خان چرخي که در مسکو بود از شورش و اغتشاش علیه شاه مترقي افغانستان خبر شد و با جمعی از جوانان که امان الله خان آنان را به خاطر کسب تحصیل به ترکیه فرستاده بود، داوطلبانه راهی افغانستان شد و علیه نیروهای ارتجاعی حبیب الله کلکانی به مبارزه پرداخت.

تاریخ نویس مبارز کشور غلام محمد غبار در صفحه ۸۳۱ جلد اول «افغانستان در مسیر تاریخ» می نویسد: «غلام نبي خان چرخي سفیر افغانی در شوروی در ماه حمل ۱۳۰۹ خورشیدی با یک قطعه عسکر چند صد نفری هزاره و ترکمن از آن طرف آمو به موضع کلفت

افغانی داخل شده و تا دولت آباد پیش آمد.



عساکر سقوی مزار به مدافعه رفتند و در موضع خواجه ولی در اخیر حمل ۱۳۰۹ شکست سختی خوردند. غلام نبي خان در ۲ ثور، بعد از یک جنگ شدید شهر مزار را اشغال نمود مگر بعد از کمی رئیس تنظیمه حکومت سقوی قشون دو هزار نفری از ایبک و تاشقرغان جمع کرده به شهر مزار حمله نمود و منهزم گردید. معهداً حملات پراکنده طرفداران بچه سقا علیه شهر مزار ادامه داشت.

غلام نبي خان چرخي در ۱۸ ثور معسکر (قرارگاه عسکری) شیرآباد سقوی ها را اشغال کرد و یک روز با بمباران توپ و طیاره قلعه جنگی را تسخیر نمود.

آخرین مقاومت سقاوی ها نیز در جنگ تاشقرغان از بین برده شد و تمام ولایت بلخ زیر اداره غلام نبي خان قرار گرفت. حکومت سقوی سید حسین وزیر جنگ را با یک قشون چهار هزار نفری امر حمله بر ولایت بلخ داد. قوای غلام نبي خان این قشون را هم در ایبک مغلوب و فراری ساخت و سید حسین به ولایت قطن فرار نمود. تا این وقت شاه امان الله خان از قندهار به استقامت کابل حرکت کرده و تا غزنی رسیده بود ولی همینکه از طرف قوه سقوی و سلیمان خیلها در غزنی مغلوب شد، از افغانستان خارج گردید.

بی بی مریم همسر غلام نبي خان چرخي که بعد از شهادت همسرش با سایر اعضای خانواده سالهای طولانی را در سیاه چال های استبداد سپری کرد.

زمانیکه غلام نبي خان از خروج امان الله اطلاع حاصل می کند بلافاصله جنگ را قطع نموده از افغانستان خارج می شود.

به تعقیب این جنگها نادرشاه به بهانه حمایت از امان الله خان وارد جنگ با سقاوی ها شد. او که از نفوذ برادران چرخي در بین مردم اطلاع داشت با آنان رابطه برقرار کرد و به غلام صدیق خان چرخي (برادر غلام نبي چرخي) چندین نامه نوشته از او خواستار کمک شد. برادران چرخي که به وطن می آمدن بشیدند از هیچ کمک به نادر شاه دریغ نکردند ولی از نیت شوم او خبر نداشتند.

پس از شکست دادن سقاوی ها، به جای آنکه قدرت به امان الله خان سپرده شود خود نادر شاه بر اریکه قدرت تکیه میزند و با تمامی وعدههایی که با مردم و فامیل چرخي کرده بود پا گذاشت.

غلام نبي خان که در دوره حاکمیت نادر شاه سفیر افغانستان در ترکیه بود به رسم اعتراض از وظیفه خود کناره گیری نمود. خالد صدیق چرخي برادرزاده غلام نبي خان چرخي در کتاب «برگی چند از نهفته های تاریخ در افغانستان» جریان استعفا را قرار ذیل شرح می دهد:

«اولین واکنش وی در برابر دولت نادر شاه، استعفاي او از مقام سفارت می باشد که بلاثر بعد از آگاهی پیدا کردن موضوع تماس های پنهانی نادر شاه با کمشنر عالی هند برتانوی و گرفتن کمک های پولی او و مکتوم نگهداشتن این راز از مردم افغانستان، سفارت را ترک و طی نامه رسمی، عدم موافقت خود را با این گونه عملیات وی علناً ابراز نمود.»

نادرشاه مکرر از او می خواهد تا به کابل بیاید و به دولت بپیوندد ولی غلام نبي خان این خواست شاه را هر بار رد می کرد تا اینکه در سال ۱۹۳۲ نادر برادرش شاه ولی خان را

نزد او به ترکیه می فرستد و از وی می خواهد تا بخاطر حل معضل افغانستان به کابل برود.

غلام نبي خان چرخي

غلام نبي خان چرخي با آنکه از خاین بودن نادرشاه معلومات کافی داشت ولی این بار فریب او را خورد و با شاه ولی عازم کابل شد.

در مدت ۲۷ روزی که غلام نبي خان در کابل بود، نزدیکان و هواخواهانش به خانه او رفت و آمد داشتند که این امر باعث شد تا نادر از نفوذ او بین مردم به هراس شود. گماشتگان نادر تمامی حرکات او را تحت نظر داشتند و برای قتل او لحظه شماری می کردند تا بالاخره با توطئه ای او را بصورت ددمنشانه به شهادت میرسانند که جریان کامل آنرا زنده یاد غبار در «افغانستان در مسیر تاریخ» (جلد دوم، صفحه ۱۱۲) شرح داده است:

«اینست که در یکی از روزهای خزانی، ۱۲ عقرب ۱۳۱۱ شمسی هنگام نماز دیگر، سریاور حربی شاه (جنرال سید شریف خان کنری) با موتر مخصوص سلطنتی پشت دروازه خانه غلام نبي خان چرخي رسید و فرمایش شاه را ابلاغ کرد که:

اعلی حضرت به شما سلام میرسانند و می فرمایند که امروز هوا خوب است اگر میل داشته باشید، من منتظرم بیایید که یکجا هوا خوری برویم، و گر میل نداشته باشید خیر.

چون چندین بار چنین تکلیف هواخوری شاه با غلام نبي خان چرخي در اطراف کابل بعمل آمده بود، اینبار نیز بدون تردد و اندیشه ای امر با خواهش شاه قبول و غلام نبي خان با برادر خود غلام جیلانی خان (سابق جنرال و سفیر) و بنی اعمام خود جانباز خان نایب سالار (آنکه در جنگ شاه مزار لوگر به مقابل سقاوی حیات محمد نادر خان حمایت و دفاع کرده بود) و جنرال شیر محمد خان به جانب قصر دلگشا حرکت کرد. شاه قبلاً ترتیبات گرفته و هدایات صادر کرده بود. برون قصر دلگشا یک قطعه عسکر گارد صف کشیده و شاه در سالون دلگشا منتظر نشسته بود. همینکه غلام نبي خان از موتر فرود آمد باو گفته شد که شاه اینک فرود می آید. غلام نبي خان و همراهانش پیش روی صف گارد منتظر بایستادند. موتر شاه نزدیک زینه آورده شد و در همین لحظه شاه ظاهر شد و از زینه فرود آمد. بین غلام نبي خان و شاه، موتر حایل گردید. شاه در پهلوی موتر بایستاد و غلام نبي خان و همراهانش رسم تعظیم بجا آوردند.

شاه بدون آن که جواب سلام بدهد، روی به جانب غلام نبي خان کرد و گفت:

خوب غلام نبي خان! افغانستان به شما چه بد کرده است که شما خیانت می کنید؟

مرد جواب داد:

افغانستان می شناسد که خائن کیست؟

سید شریف خان، «یاور حربی» نادر خان یکی از پلیدترین چهره های تاریخ ماست که در شکنجه و قتل آزادیخواهان با وحشت تمام عمل می کرد. او در دوران اختناق هاشم خانی نیز به این جنایات ادامه داد.

نادر شاه بعد از استماع جواب غلام نبي خان به گارد محافظ امر نمود که بزیند. سپاهیان گارد پیش شده این مرد را بر روی خاک انداختند، در حالی که برادر و بنی اعمام او در زیر سایه سرنیزه گارد شاهی استاده و این منظر فجیع را تماشا می کردند. غلام نبي خان به عجله دستمال خودش را از جیب کشیده در دهن فرو برد تا در زیر ضربات تفنگ دشمن صدای نالش او از دهن برنیاید. گارد شاهی با قنداع تفنگ شروع به زدن کردند. نادر شاه استاده بود و تماشا می کرد، اما می لرزید. ناگهانی فریاد کرد که «بزیند تا بمیرد». سید شریف خان یاور پیش شد و به سپاهیان امر کرد که با میله تفنگ بزیند. این است که میله های فولادین تفنگ عموداً بر پشت و پهلوی مرد فرورفت و استخوانی سالم در بدن او باقی نماند. این قضای هژده دقیقه تمام دوام نمود. شاه امر کرد که مرده غلام نبي خان را که به شکل خریطه ای از گوشت میده شده درآمده بود، نزد خانواده اش منتقل سازند.»

روز ۱۲ عقرب ۱۳۱۱ جسد تکه تکه شده غلام نبي خان را به فامیلش تسلیم دادند که تفصیل آنرا غلام صدیق خان چرخي در کتاب «از خاطراتم» بیان نموده است:

«بعد از اعدام وحشیانه جسد بی روح و به خاک و خون غلطیده عموم غلام نبي خان چرخي توسط یک تعداد گارد شاهی به خانواده سپرده شد که همه اعضای فامیل، اعم از مرد و زن، اطفال بزرگ و صغیر از مشاهده این حادثه غیر مترقبه به قول معروف مات و مبهوت گردیده، بعضی دست به سینه میزدند و فغان می کردند و برخی دیگری، خاک به سر نموده و با آتش این ماتم جانکاه می سوختند. شام آنروز یک تعداد سپاهیان مسلح دیگری که در راه آن والی محمد عمرخان و قوماندان طره باز خان قرار داشتند به خانه ما واقع اندرابی داخل شده و هر اتاق را یک یک تلاشی کردند. دیدن این صحنه برای زنها و اطفال صغیر خانواده واقعاً خیلی دهشتناک و طاقت فرسا بود.»

فردای آنروز یک پارچه ورق به نام سند اثبات جرم به کابینه فرستاده شده که وزرای بلی گو و روحانیون قلاده به گردن «جمعیت العلماء» آنرا تصویب و در جراید منتشر شد.

روزنامه «اصلاح» (شماره مسلسل ۴۲۹، ۱۷ عقرب ۱۳۱۱، ۹ نوامبر ۱۹۳۲) با سر به سر کردن انبار دروغ خبر اعدام غلام نبي خان را تحت عنوان «اعدام یک خاین» نشر نمود.

خانواده آلیحیی که به نقل غبار «در برابر سود شخص خویش هیچگونه قید و بند اخلاقی را نمی شناخت» بعد از کشتن سرفرازترین شخصیت های وطن ما، اسناد دروغین و جعلی علیه آنان انتشار می داد، کارنامه این شخصیت بزرگ کشور را نیز با وقاحت باور نکردنی «شیطنت کارانه»، «عیاشی و فساد پیشگی» و «خیانت» نامیده نوشتند که «در ماموریت های که بخارج نموده نیز شرف و عزت افغانستان را داغدار و در سلب و قار ملت شجاع ما دقیقه ای فروگذار نشده...» همین شیوه تقلب کارانه و تنگین حکمرانان وقت را، غبار «خیانت به تاریخ افغانستان و هوش و رشادت ملت» نامیده است.

انگلیسها که از خانواده چرخي نفرت داشته در اسناد شان از آنان منحيث «خانواده شریب چرخي» نام می بردند، از طریق چاکر شان نادرخان آنرا متلاشی ساخته انتقام گرفتند. با شهادت غلام نبي، تمامی اعضای فامیل وی مرد، زن، طفل و جوان به سیاه چال های مخوف افکنده شدند. اکثریت اعضای فامیل (جنرال غلام جیلانی خان چرخي، جنرال شیرمحمد خان چرخي، با پسران نوجوان غلام جیلانی خان (غلام ربانی خان و غلام مصطفی خان) و عبد اللطیف خان پسر عبد العزیز خان چرخي به دار آویخته شدند. جانباز خان نایب سالار چرخي با پسرک چهارده ساله خود (یحیی چرخي) در زندان تحت شکنجه های وحشیانه جان دادند و سایر اعضای این خانواده بیش از ۲۰ سال را در پشت میله های زندان نادر خان و هاشم خان سپری کردند که داستان شکنجه و ستم حیوانی علیه آنان را صدیق چرخي در کتاب «از خاطراتم» ثبت نموده است.

عبد الخالق که در خانواده چرخي تربیت یافته بود، تقریباً یک سال بعد از این حادثه در دست در همان جایی که چرخي زجرکش شده بود با نشاندن گلوله بر مغز نادر انتقام او و دیگر قربانیان استبداد نادری را گرفته افغانستان را نجات بخشید.

اما خون غلام نبي خان چرخي، به مثابه یکی از قهرمانان ما نقش پرچم آزادیخواهی و وطن ماست. او با خودش، رسم ایستادگی در برابر استبداد و ارتجاع را درج صفحات تاریخ ما نمود که باید آنرا پاس داشته از رشادت و خود گذری آنان برای پیشرفت و آبادی افغانستان بیاموزیم

منبع: وب سایت ولایت لوگر

د امتیاز خوانند: لوگر اطلاعات و فرهنگ ریاست لوگر میاشتنی خپرونه دسر لیکنې پرته؛ دلیکوالانو دلیکنو ننگه نه کوي اومسؤولیت یې دلیکوال پرغاړه ده.

مسؤل مدیر: شیرمحمد «امینی» ستانگزی ۰۷۹۹۱۳۱۸۳۵

کتونکي ډله: عبدالرحمن «تسل»، امین الله «صفا» او محمد زاهد «سلطانی»

خبريال: محمد موسی «عدیل»

ډیزاینر: امینی «ستانگزی»

که چیرې لیکنې لری چې په لوگر میاشتنی کې خپرې شي، نو کولی شي چې په

لاندې پته یې را واستوی.

داریکې شمیره: ۰۷۴۴۲۲۶۴۲۸

چاپ خای: آزادی مطبعه

دبرښنالیک پته: Shir.stanikzai2@gmail.com

دلوگر د اطلاعات و فرهنگ ریاست / www.facebook.com/

لوگر میاشتنی / www.facebook.com/